

کمونیسم، هم در اروپای شرقی، صدها کارکنان و
سوزه مجسمه‌های افشاده و پایین کشیده شده
را زده اند.
در میان کشاکش حاکمان کیست و کیست
کارکنان و بیست‌های انسان دوستند. همواره
کارکنان و بیست‌های هم وجود داشت. تعداد که
مخزن و کتاب، حکام ظالم بوده و هر که با آنها برخورد
کردند به این دسته. کارکنان و بیست‌های
چوبی، می‌گویند کسانی که در دسترس اند
گوش به فرمانند و حکام می‌توانند آنها را هر وقت
که بخواهند بکشند. در جیب‌هایشان پولند. باین حال
حاکمان ظالم همواره بر او بر سر منافع در اختیار
و همه دارند آنها هر لحظه احتمال می‌دهند که
این موجودات دست‌آموز به آنها حملات شوند و
صاحبان خود را از بگردد و بیگانه‌ها را چون
تاپلوتون، هیلو، موسولینی و استالین، لشکری از
کارکنان و بیست‌های چوبی را به وجود آورده بودند.
تا هزاره مدح آنها را بگویند و عیب دشمنان داخلی
و خارجی شال طرح بکشند. آنها به همان اندازه
که از کارکنان و بیست‌های چوبی خود حمایت
می‌کردند، آنان را هم زیر نظر داشتند. در هر
زنگان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری هیچ‌کس روی
این هنرمندان فلم به مردم پسته نبوده است. همواره
لشکری از پانسی معنی‌های محراب در ده نگاه این
حاکمان حضور داشت. تا آنکه کارکنان و بیست‌های
چوبی را بر سر و کنترل کنند.

حاکمان، سیاستمداران و دولت‌های حاکمه
و ایستاده‌های پرچیده با منتقدان خود در جمله
کارکنان و بیست‌ها قرار می‌گرفتند. پیش از هر چیز
و ایستاده‌های منتقد و نقد شوند. ایستاده‌های رو در رو و
منتقدان کسب‌کنان و ایستاده‌های ساختاری، لازم و ملزومی
دارند. منتقدان همیشه به سوز‌هایی برای نقد نیاز
دارند و حاکمان هم همواره به دشمنان محتاجند.
منتقدی که چیزی برای نقد کردن نداشته باشد
جذیل و جسوری خود را از دست می‌دهد. بدون
انتقاد منتقد دیگر کنه‌های او را نمی‌تواند تا حد
به این اندازه کند. از طرف دیگر، حاکمان منتقدان
چون از پانسی دفع و رجوع مسائل حکومت خود را
انکار نمی‌تواند به سالی دارند که بودنتان بر مانند
حکومت را توجه کنند. در این میان تمسک کسانی
که به هر شکلی باین حاکمان مخلقت با آنها را نقد
کنند جزو دشمنان به حساب می‌آید و بر خود
با آنها واجب می‌نمایند حال این افراد مخالفان
سیاسی باشند و یا نه. منتقدان همیشه
مخالف خود را از این دارند. باینکه منتقدانی دل‌سوز
این حکومت در هر صورت همیشه در میان حاکمان و
کارکنان و بیست‌ها ایستاده‌های قوی وجود داشته است.
و نوع نگارش حاکمان نسبت به کارکنان و بیست‌های
معیاری مناسب برای منجشن منتقدان ظالم آنها
باشد.

رصد کردن و نقد حکومت اگر با دیدگاهی
است. این محور صورت بگیرد و اگر حاکم، این همه
منتقدان را دشمن خود نداند، منجر به تعطیل
قدرت خواهد شد. یعنی اینکه قدرت حاکم به
عقلی مؤثر برای پیشرفت جامعه تبدیل می‌شود.
و دیگر همه هر شکلی که در صدد به تسلیم و انانیتان
دیگران در برابر خویشتن خود نخواهد بود. کارکنان و
سیاسی در مفهوم کسب‌کنان و بیست‌های چوبی
می‌رود. اگر من بخرد می‌کند اگر چه به قدر
اگر طغنه می‌زند نمی‌خواهد حاکم قدرتمند را از
منتقدش پایین بکشد. (که اگر هم بخواهد زورش
تقریباً تمام می‌شود) خواهد که حقوق انسان‌ها را به رخ
بکشد. باین تنها کاری است که در فستش می‌رود.
اگر چهره ما را بپایند و همه از آن تعریف کنند.
آدم‌خانه نیست که از این‌ها که ما را نشان می‌دهد
بیشتر کسی چون زبونی در فستش نه در آینه
به همین شکل اگر چهره زبانی نشان شده باشد
شکستش آینه است. استهزاء است چون زبانی در فست
نه در آینه. آینه ما را به خودمان نشان می‌دهد و
این نشان را تقریباً آورد تا کاری با این را اصلاح
کنیم. کارکنان و بیست‌های سیاسی هم که نقد قدرت
می‌کنند تشکر حکومت را نمی‌خواهد اما منتقد
توبیح شدن هم نیست. کارکنان و بیست‌های
است تا حکومت در مقابلش بایستد و زیر هایش
را اصلاح کند.



فیلم و سیاست

ملاحظات در باب فیلم سیاسی

سید محمد مشکات

۱- آیا ساخت هنر از ساحت سیاست جداست؟ شاید
این مطلب نیاز به بحث چندانی نداشته باشد چرا که
هنرمند نیز مانند دیگران دارای دیدگاه سیاسی است
و به تعبیر دقیق‌تر می‌توان گفت که او را از این امر
گریزی نیست. فلسفه یا عدم استفاده از حق را یا
از دیدگاه‌های علامه بر حق، نگارنده در قبال سرنوشت
سیاسی، جمله و قدرت حاکمه، از دم نشستن دیدگاه
سیاسی در قبال اصل حکومت سیاسی در هر کشور
یا جریان‌های سیاسی را به پیش جادویی خدمت‌های
می‌توان گفت هنرمند در هر صورت موضوع دیگری
سیاسی دارد و این می‌تواند با هنرمند بودن او منافات
نداشته باشد. شکل این امر از سوی هر کس که باشد
گذشتن از حق خود و مهم‌تر از آن، شانه خالی کردن از
تکلیف و مسؤولیت است.

۲- اینکه هنر چه میزان می‌تواند با سیاست تمسک
طلعت باشد بحث مناقشه‌برانگیزی است و نمی‌توان
انکار کرد که رویکرد دوری و گریز از سیاست در جمله
هنر - خصوصاً سبک هنرمندان کشور ما - مدافعان
و هواداران بسیاری دارد. اکنون بحث در اصل تحقیق
باینکه این نسبت و برررسی چگونگی آن است. باینکه
اگر هنری از شرایط تاریخی متأثر می‌شود و پذیرد اصلی
است که در نظر به‌تفاهات ذلیل دفاع است. یکی از
این شرایط و زمینه‌ها وضعیت سیاسی است که اکثر
هنر آن خلق می‌شود. این در هر حال قهراً و به‌طور
خاص در فیلم که جهان‌ش را با خود گزیند و همان
نظام علی و معلولی خاص خود خلق می‌کند و در آن
هنرهای مختلف موضوعی، معماری، نقاشی، و جمع
شده بیشتر صدای پنداشی کند. بنابراین بهتر است
این همه بحث را در هنر فیلم می‌بگیریم به‌هم صورت
فیلم‌ها در سبک‌های مختلف از نور تا بسم ایتالیایی
گرفته تا مکتب مونتاژ شوروی و کلاسیک هالیوودی.
الف. موج نوی فرانسوی و کلاسیک هالیوودی
همه به گونه‌ای در این شرایط و با در نظر گرفتن این
زمینه سیاسی تصور می‌شوند. در کشور ما هم
نمونه‌ها کم نیستند و می‌توان به فیلم‌هایی که به‌طور
خاص موضوعات سیاسی را تصاویر خود قرار داده‌اند
اشاره کرد. به بیان دیگر ساحت‌هایی معنایی اثر
هنری از نظام یا لائق مولف‌هایی شناختی و ارزشی
متاثر است که بخشی از این جنبه‌های هستی‌شناسانه
یا ارزش گزارنده اگر نگوئیم همیشه در بسیاری موارد
در جهان اثر حضور دارد. بنابراین دایره بحث فراتر از
اثر هنری است که موضوعی سیاسی دارند و با
پسوند سیاسی مانند تئاتر سیاسی یا فیلم سیاسی از
آنها باقی می‌ماند.

۳- هر موضوع به‌تفکیک بین آناری که صرفاً
از شرایط سیاسی زمان خلق تأثیر پذیرفته و آناری
که موضوعات سیاسی را بر گزیده‌اند. هدف است. دسته
اول کمتر مورد مخالفت قرار می‌گیرد. دسته دوم بیشتر
مورد بحث و مناقشه است. در هنر فیلم به‌طور خاص
(شاید هنرهای روایت‌گونه به‌طور عام) می‌توان این
تفکیک را به بیان دیگری مطرح کرد. در برخی فیلم‌ها

خود را حفظ کرده‌اند. چنان که در حوزه فعالیت (به‌طور
خاص شعر) و در حوزه فعالیت‌های هنرمندانه وجود
دارند که قرن‌ها را از نور دیده‌اند. آیا فیلم سیاسی به
کنایه معصیت خود را پذیرفته‌اند چنین ویژگی‌ها را می‌توان
ندارد. به گونه‌ای که حداکثر عمر آن بیش از یک دهه
نمی‌تواند باشد؟

در این باره می‌توان بین این دو گونه فیلم سیاسی
تفکیک قائل شد. گونه اول: فیلم‌هایی که به‌ویژه
خاص سیاسی می‌پردازند در این صورت، آنجا که
این وقایع به زمان و وقایع خاص اختصاص دارند.
موضوع را زنده می‌کنند. می‌کنند. می‌کنند. می‌کنند. می‌کنند.
شکل و ساختاری اثر (چه در روایت و چه در تفکیک)
که ممکن است فیلم را برای دیدن در چند دهه بعد
نیز جذاب کند. در هر صورت نمی‌توان شکل کرد که
داشتن موضوعی متعلق به زمانی خاص آن را منحصر
به عصری خاص و یک دوره می‌کند. به‌عنوان مثال از
میان شعرهای سعدی آنجا که در بیستی سخن از حاکم
و وفای او به میان می‌آید و موقع وصیت هدیه‌ای به
او صورت می‌گیرد. می‌تواند از آن فراتر از زمان خود
بگذرد. می‌کشد. گونه دوم: فیلم‌هایی که به موضوعات
و مباحث فلسفی و علم‌سیاست می‌پردازند. مباحث
که در طول چندین قرن گذشته ستکران در حوزه
سیاست بودند. به‌عنوان مثال نقد این مطلب
که رساله‌های آزاد به‌عنوان لازمی کار آمد برای
دموکراسی و از آن آن هستند. نقد تکیه بر قابلیت
فرهنگی و تجربه در نظام سیاسی و احتمال فساد یا
انشاء این اقلیت و با اینکه اساساً آنها دو کراسی قابل
مستجاب است؟ موضوعاتی از این دست می‌توانند در
هر عصری قابل طرح و جذب باشند. اگر این جنبه‌ها
رایجاً جنبه‌های شکل و خلق جهان فیلم‌ها
جذاب و گرایش انسان به دانستن مغایره کنند
مطلب روشن‌تر خواهد شد. فیلم‌های هالیوودی
به‌دلیل همین خصلت اقتصادگسری و غریزه
مخالف‌محوری و محافظه‌کاری از اساسی به سراغ
فیلم‌هایی با مضامین سیاسی نمی‌روند. نگاه و شمشیر
و با طرفت همان طور که گشت به شرایط سیاسی
در فیلم به‌عنوان یک محمول نگاه می‌کنند و به این
وسيله اولاً از جهت گیری سیاسی نمی‌توانند تا
عمر نامی مخاطب خود را حتی در فرهنگ‌های
مختلف از دست نمی‌دهند. به‌عنوان مثال می‌توان
به جهت گیری در برابر شوروی و چین در فیلم‌های
هالیوودی اشاره شده و در جنگ سرد فیلم‌های
آدم‌خوار هالیوود برای تبلیغ آمریکایی‌ها به‌عنوان متوجه
جهان با صحنه‌های تخیلی به‌سختی پیشرفته فوق‌تر و
انحیاء جهت گیری در برابر جهان اسلام اشاره کرد.
دانشان این فیلم‌ها دانشان در گیری شخصیت خوب
(برون تا گویست) باشد. شخصیت بد (آنی گویست) است.
باین فرض و بیشتر که آدم‌های خوب شخصیت‌های
آمریکایی و آدم‌های بد شخصیت‌های روس یا چینی
یا اروپای شرقی یا مسلمان باشد. هستند. باین همه مقابله
با مشکلات بالای تکنولوژیک سیاسی و پشتوانه‌های
بیان هنری بالا که اصول و قواعد خود را به نظام‌های
زیبایی‌شناختی فیلم دیگر کشورها اعمال می‌کند.
صورت می‌گیرد. چنین فیلم‌هایی محافظان آموخته از
سراسر جهان با فرهنگ‌های مختلف بدون مقاومت
(در شکل حادتری آن تحریم فیلم) یا پاس در جات
متفاوت مقاومت نشان دهند.

شاید گونه دوم فیلم‌های سیاسی آن‌ها که به
مسائل و موضوعات فلسفی و علم‌سیاست می‌پردازند
از این ملاحظه به دور باشند. این دسته از فیلم‌ها -
همچنان که - موضوعات فلسفی یا اخلاقی این گونه
هستند می‌توانند از این حیث که موضوعات اساسی
در طول تاریخ همیشه تری بوده‌اند از سوی انسان‌ها
و فرهنگ‌های مختلف، مخاطبان زیادی به‌خاست
آورند. البته باید پذیرفت که این فیلم‌ها بیشتر مناسب
فرهنگستان هستند. در نتیجه ممکن است مخاطب
عام به معنای متداول نداشته باشد. مگر آنکه فیلم
از نظر وجود معنایی و شکلی به چنان پختگی و رضایی
رسیده باشد (همچنان که شعر حافظ رسیده است)
که مخاطبان با سطوح مختلف را به خود جذب کند و
ذهن همه واحساس‌ها را درگیر کند.

نویسنده

۱- سخن‌سنسورهای در بیشتر کشورهای غربی و از نظر فیلم‌ها
می‌توان دید در واقع این دو سبک غالب و مسلط در فیلم
است.

روزنامه